

### متن پرسش

بسمه تعالی با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد گرامی و تسلیت ایام محرم؛ در مورد سوال شماره ۲۰۴۲۷ (سخنرانی حجج الاسلام پناهیان و قاسمیان که حقیر ارادت ویژه ای به هر دوی این عزیزان دارم)، عرایضی داشتم. به خاطر اهمیت موضوع، از شما تقاضا می‌کنم که اندکی از وقت گرانبهایتان را به این مطلب اختصاص دهید و در صورتی که احساس کردید این بزرگواران دچار اشتباه در تحلیل شده اند، نظرات را به آنها انتقال دهید؛ امید است که اصلاح شود. دلیل حساسیت بنده روی این موضوع، از آنجا نشأت می‌گیرد که در صورت داشتن تحلیل اشتباه از شرایط جامعه، ما به جای اینکه خاموش کننده آتش فتنه باشیم، آن را شعله ورتر می‌کنیم و به جای پیشگیری از حادثه، در میدان فتنه بازی خواهیم کرد! بنده، در خلال بحث، گریزهایی به قضایای دیگر که احساس می‌کنم تاثیر قابل توجهی بر مساله دارند، زده ام. و پیشاپیش از طولانی شدن مطلب عذرخواهی می‌کنم. از دید حقیر، ما فتنه هایی را در آینده خواهیم داشت؛ کم و بیش، شما و سایر بزرگان صاحب بصیرت، روشننگری هایی را در این زمینه داشته اید. از جمله فتنه هیاتی ها و مذهبی های سکولار که در چند سال اخیر به شدت تفکرات ضد انقلاب و ضد ولایت فقیه را در هیات ها تبلیغ می کنند؛ اینها از یک سو با شیعه انگلیسی پیوند خورده اند و از سوی دیگر در انتخابات ها، حامی جریان غربگرا و لیبرال مسلک هستند. فتنه احتمالی دیگر، توسط چهره های ظاهراصلاح و تسبیح به دست رقم خواهد خورد، چهره هایی که یک روز با انقلابی ها چای می خورند و روز دیگر در کنار فتنه گر ها می نشینند! فتنه های دیگری نیز محتمل است اما بحث ما نیست. آن چیزی که موضوع بحث حقیر است، و فکر می‌کنم در آینده با آن روبرو خواهیم شد، ناامیدی مردم از کارآمدی نظام و به پا خواستن طبقات ضعیف است. افزایش نارضایتی مردم مستضعف و قشر کارگر به خاطر پایمال شدن حقشان، تضییع حق مردم در بانک ها و موسسات مالی و عدم پیگیری سریع موضوع توسط مسولان، دستگیری انقلابیون و بچه های بسیجی و عدالت طلب توسط قوه قضاییه (که در ادامه مفصل تر در مورد آن توضیح خواهم داد) به خاطر اعتراض به فساد در زیرمجموعه های کشور و ... از جمله نشانه های آن می باشد. همانطور که در اخبار خوانده اید، چند سالی است، کارخانه ها یکی پس از دیگری تعطیل می شوند، حقوق کارگران پرداخت نمی شود، موسسات مالی پول مردم را گرفته اند و ورشکست شده اند؛ صندوق های بازنشستگی در پرداخت حقوق بازنشستگان اهمال می کنند، اما از طرف دیگر عده ای وام های چند هزار میلیاردی می گیرند و آن را پس نمی دهند (صندوق بازنشستگان آموزش و پرورش)، با دریافت کننده های حقوق ها و املاک نجومی برخوردی صورت نمی گیرد و فرمایشات

رهبری در این زمینه اجرا نمی‌گردد، حتی اخیراً شنیدیم که آنها توسط دیوان تبرئه شده‌اند! و ... از سوی دیگر، مردم به خاطر تامین نشدن حقوقشان از راه‌های قانونی، با ناامیدی از ساختار کشور، دست به تظاهرات و تجمع می‌زنند. آن چیزی که مستقیماً مورد اعتراض و بدگویی مردم واقع می‌شود، انقلاب و نظام و رهبری است، و نه جریان اشرافی نئولیبرال! در تمام این قضایا، مستقیماً کارآمدی انقلاب اسلامی زیر سوال می‌رود. علت وضع امروز کشور ما، مدیریت جریان اشرافی نئولیبرال بر کشور و عدم پیگیری اقتصاد مقاومتی توسط مسولان مربوطه است، که جناب آقای دکتر شهریار زرنشاس و سایر کارشناسان انقلابی، تحلیل عمیقی از این وضع ارائه داده‌اند و در اینجا مورد بحث ما نیست. بلکه بحث اصلی، نحوه مواجهه ما با این شرایط است. فکر می‌کنم دوست عزیز که سوال ۲۰۴۲۷ را مطرح کرده‌اند، با یک پیش‌فرض ذهنی غلط و قضاوت نادرست از دانشجویان انقلابی و بسیجی و عدالتخواه، پرسشی هدفمند را مطرح کرده‌اند که جواب متناظر با آن را دریافت کنند! بله، بنده منکر وجود تک و توک افرادی که دارای این نوع دیدگاه هستند و رهبری را نیز حامی وضع موجود دانسته و ایشان را کندرو می‌دانند و معترض هستند که چرا ایشان در مقابل مفاسد اقدامی نمی‌کنند، نیستیم. اما این طیف، درصد بسیار کمی از دانشجویان بسیجی عدالت‌خواه و جریان بهار (طرفداران آقای احمدی نژاد) را تشکیل می‌دهند. حتی حقیر معتقدم، اگر بسیاری از اتفاقات نمی‌افتاد، خیلی از این بچه‌ها به این مسیر کشیده نمی‌شدند. اگر بخواهیم ریشه انحراف این اقلیت را بررسی کنیم، باید به تحلیل آقای احمدی نژاد و برخورد دستگاه‌های نظام (به استثنای رهبری) با او بپردازیم. با تمام انتقاداتی که به آقای احمدی نژاد وارد می‌دانیم، اصلاً آیا خود ایشان به عنوان پیش‌تاز جریان بهار، تاکنون به رهبری جسارت کرده‌اند؟! با تمام بی‌مهری‌هایی که در طول دولتهای نهم و دهم از سوی خودی و غیرخودی به او شد و پس از آن، در طول چهار سال دولت یازدهم، با آن همه تخریب، آیا او از خود خویشتن‌داری نشان نداد؟! حتی قضیه ثبت نام در انتخابات (که حقیر نیز با آن مخالف بودم، از این وجه که ایشان حرف قبلی خودشان را زیر پا گذاشتند نه اینکه به توصیه رهبری عمل نکردند)، آیا صرفاً یک توصیه و نصیحت از جانب رهبری نبود و مشروط به یک شرط (ایجاد دو قطبی در انتخابات) نشده بود؟! حقیر نیز قبل از انتخابات عقیده‌ام این بود که حضور آقای احمدی نژاد، می‌تواند بسیار جو را متشنج کند؛ و باعث ایجاد درگیری بین طرفداران کاندیداها شود. اما آیا عدم حضور او در میدان، به شرایط کمک کرد؟! و یا برعکس همگی دیدیم که در مناظرات و بعد در سخنرانی‌های استانی کاندیداها، چه جسارت‌هایی که به انقلاب و آرمان‌های انقلاب نشد و چه صحنه‌های زشتی که رقم نخورد... آیا مناظرات سال ۸۸ زننده‌تر بود یا مناظرات سال ۹۶؟! اکنون که از بالا به تمام التهابات و افت و خیزهای سیاسی این سالها می‌نگرم، و از نگاه توأم با هیجان و تعصب نسبت به یک شخص یا جریان خاص خود را آزاد کرده‌ام، به این مساله رسیده‌ام که حتی اگر در انتخابات ۹۶، آقای احمدی نژاد ثبت نام نمی‌کرد، و اگر آقای ریسی رای می‌آورد؛ جریان مقابل، فتنه‌ای مشابه سال ۸۸ (حالا یا وسیع‌تر یا خفیف‌تر) به پا می‌کرد. آنها فقط برای پیروزی آمده بودند؛ هر

نتیجه ای به غیر از پیروزی آقای روحانی رقم می خورد، فضا به شدت متشنج می شد. فضایی که جریان مقابل آقای ریسی در آن برهه ایجاد کرده بود، رای آوردن به هر قیمت بود. آنها به هر چیزی متوسل می شدند. از همصدایی با منافقین و آقای منتظری گرفته تا اعلام حمایت از شجریان و توسری زدن به موشک و شعار دادن علیه سپاه! آنها از تمام ظرفیتشان داشتند استفاده می کردند: دو کاندید کمکی آورده بودند در مناظرات (که برخی سر همین قضیه، انقاداتی به شورای نگهبان وارد می کنند) که یکی علنا می گفت من کاندید پوششی هستم و با این حال باز هم تایید صلاحیت شد! آنها برای فریب مردم، به دروغ هایی متوسل می شدند؛ مثل دیوارکشی، اعدام و ... . تمام بازیگران و هنرمندان و ورزشکاران و خوانندگان و سلبریتی ها را به خط کرده بودند برای اعلام حمایت و جذب رای قشر خاکستری مردم... . تخلفات گسترده و سازمان یافته (اگر چه معتقدم نتیجه انتخابات تغییر نمی کرد ولی سازمان یافته بودن این تخلفات و هماهنگی استاندار و فرماندار و دهیار و... مثال زدنی بود!) در این انتخابات آنقدر عجیب و دور از ذهن بود که حتی جریان انقلابی را دچار دوگانگی کرده بود. اگر اعتراض می کردند جریان مقابل به یک نحو سوءاستفاده می کرد علیه خود آنها؛ اگر سکوت می کردند به یک نحو دیگر... مسایل فراوانی وجود دارد که می توان به کمک آنها شرایط آن روزها را بهتر توصیف کرد. تماشا کردن مناظره ها، بهتر از هر چیز نشان می داد که برخی چگونه بنده قدرت طلبی شده بودند. حقیر در آن برهه با نظاره بر اوضاع جامعه، بیش از هر چیز به یاد تکنیک های معاویه در مقابل امیرالمونین (ع) می افتادم! خلاصه آنکه، بنده با دیدن این نشانه ها و ده ها نشانه دیگر (از جمله کنفرانس منافقین، تحرکات مشکوک در داخل کشور و سایر مواردی که در همان زمان گزارش می شد)، با درصد بالایی احتمال می دادم که این جریان اگر رای نیاورد، فتنه ای را رقم خواهد زد. اما نشانه اصلی که بنده به آن استناد می کنم، سخنرانی بسیار مهم رهبری در دانشگاه امام حسین (ع) درست چند روز قبل از انتخابات است. ایشان تذکرات بسیار صریحی را نسبت به قانون شکنان و برهم زندگان انتخابات دادند. اگر بیانات رهبری در انتخابات های مختلف را جستجو کنید، متوجه می شوید ایشان فقط در سال های ۸۸ (که فتنه رخ داد) و ۹۶ چنین تذکرات شدید و نگران کننده ای را ابراز کرده اند! ما در هیچ برهه دیگری شاهد چنین مواضع صریحی نیستیم. ایشان در تاریخ ۹۶/۲/۲۰ در دانشگاه امام حسین (ع) فرمودند: «انتخابات یکی از زمینه هایی است که هم می تواند مایهی اعتلا و آبرو بشود هم می تواند مایهی ضعف و سستی و ایجاد مشکلات بشود... اگر مردم با نظم شرکت کنند، با اخلاق حرکت کنند، حدود اسلامی و قانون را رعایت کنند، این مایهی عزت جمهوری اسلامی است... اگر قانون شکنی کنند، بداخلاقی کنند، اگر با حرف های خود دشمن را به خود امیدوار کنند، انتخابات به ضرر ما تمام خواهد شد. اگر کسی بخواهد علیه امنیت کشور قیام کند، قطعاً با عکس العمل و واکنش سخت مواجه خواهد شد. آن صهیونیست پول دار آمریکایی خبیث که گفت من #گرجستان را با ۱۰ میلیون دلار توانستم زیر و رو کنم، در #سال ۸۸ هم با حماقت به این فکر افتاد که بر جمهوری اسلامی به این عظمت اثر بگذارد؛ با دیوار مستحکم اراده و عزم ملی برخورد کردند؛ امروز هم

همین جور است!!! امنیت کشور خیلی مهم است؛ در انتخابات باید امنیت کشور به صورت کامل محفوظ بماند... هرکسی از این راه تخطی کند، قطعاً بداند سیلی خواهد خورد.» در مورد انتخابات ۹۶ تحلیل بنده این است که اساساً، مشکل، حضور شخصی به نام احمدی نژاد نبود. حضرت آقا بیش از آنکه به خاطر شخصیت خود احمدی نژاد (جنجال آفرینی، التهاب جو سیاسی در مناظرات و ...) توصیه به عدم حضور او کنند، بیشتر به خاطر وقاحت و استکبار و برتری طلبی جریان اشرافی مقابل، و با شناختی که از آن جریان داشتند، توصیه به عدم حضور احمدی نژاد کردند. جریانی که نشان داده هیچ گاه جنبه باخت را ندارند و همواره در تمام انتخابات ها (به جز آقای خاتمی و آقای احمدی نژاد؛ هر چند آقای خاتمی نیز در نهایت تسلیم این جریان شد و زیر بیرق آنها قرار گرفت...) پیروز بوده اند. اگر پیروز می شده اند، اظهار می داشته اند که انتخابات آزاد بوده اما اگر نتیجه بر خلاف میلشان رقم می خورد، نتیجه آن را نمی پذیرفتند و یا ادعای تقلب می کرده اند یا ادعای انتخابات مهندسی شده! این جریان همواره سعی در حذف، هضم یا همسوسازی جریانات مخالف با خود هستند که تاکنون موفق نیز بوده اند! ممکن است به ذهنتان خطور کند، این مباحث چه ربطی به بحث دارد. اما باید عرض کنم که، انتقادات برخی از بچه های بسیجی و انقلابی، از همین جا حالت جدی به خود گرفت. افرادی از جمله سید حسین علوی (داماد حسین شریعتمداری)، مدیر مسول خبرگزاری بسیج، نسبت به نفوذ در بین برخی اعضای شورای نگهبان، یک سخنرانی طوفانی کرد. این فیلم در اینترنت موجود است. حقیقتاً انتقاداتی که مطرح می کند، درست هستند! برخی از اعضای شورای نگهبان تحت تاثیر اهالی فتنه بوده اند! به دنبال آن، بسیاری دیگر از بچه های انقلاب، به نحوه عملکرد شورای نگهبان در تایید و رد صلاحیت ها و عدم اجرای فرمایشات رهبری در نامه ای که ماه ها قبل از انتخابات به شورای نگهبان فرستاده شده بود، انتقاداتی را مطرح کردند. پس از انتخابات، با عملکرد ضعیف و بعضاً مغرضانه مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه روبرو شدیم. جایی که در آن شخص رییس مجلس، با تمام توان در پی این بود که علیه آقای احمدی نژاد پرونده سازی هایی را صورت دهد. رییس دیوان، که اصلاً در جایگاه اعلام جرم علیه رییس جمهور نیست، بارها اتهامات بی پایه و اساس علیه رییس دولت های نهم و دهم اعلام کرد. و بعضاً از پرونده هایی گفت که سال ها پیش مختومه شده بودند! و علناً به تشویش اذهان عمومی پرداخت، بدون اینکه کسی به او متعرض شود! آقای بقایی چند سال پیش، مدت ها بدون اعلام جرم خاصی در زندان نگه داشته شد، تا جایی که در نهایت به دستور رهبری آزاد شد. پس از آن اخیراً دوباره آقای بقایی بازداشت شد، و برخورد های بعضاً نامناسبی بر او روا داشته شد که حتی با او مشابه سایر متهمین هم برخورد نمی شود. به طوری که اجازه ملاقات با او در بیمارستان داده نشد. اما برای شخصی مثل حسین فریدون که او نیز یک متهم است، شاهد ملاقات چندین شخصیت سیاسی و در کسوت روحانی از او هستیم! سوالی که در ذهن ها ایجاد می شود که آیا تبعیض صورت نگرفته است؟! همین عمل در مورد آقای مهدی خزعلی تکرار شد و پس از مدتها دستگیری، اخیراً با حکم رهبر انقلاب آزاد شدند! واضح است که اسم بردن از اشخاص بالا، بدین معنی

نیست که حقیر مواضع آنها را تایید می‌کنم؛ اما آیا نباید عدالت حتی در مورد دشمن نیز به درستی رعایت شود؟! پس از آن مساله حقوق‌های نجومی و املاک نجومی مطرح شد. فریاد عدالت خواهان به هوا بلند شد. اما چه شد؟! چه اتفاقی افتاد؟! به جای برخورد با مفسدان، با افشاکنندگان فساد برخورد صورت گرفت و آنها دادگاهی شدند، اما کماکان شاهد هستیم که هیچ برخوردی با متهمین اصلی نمی‌شود و حتی اخیراً آنها توسط دیوان تبرئه شده‌اند! که اعتراض نمایندگان حق‌طلبی همچون آقای حاجی‌دلگانی را نیز به دنبال داشته است. نمونه دیگر، منصور نظری، شاعر انقلابی است. شخصی که فساد یک قاضی در قوه قضاییه را گزارش می‌دهد، اما یک مسول در قوه قضاییه، به جای برخورد با خاطیان، اطلاعات این شاعر انقلابی را در اختیار قاضی فاسد مربوطه قرار می‌دهد و او با شکایت طرف به زندان می‌افتد. دیگر اینها که ضد انقلابی نیست! رجانیوز و آقای رائفی‌پور از این شاعر اعلام حمایت کرده‌اند! با وجود این ظلم‌های آشکار علیه ای عدالتخواهان، آیا اینها علیه رهبری و انقلاب حرفی زده‌اند؟! برخی از اینها آنقدر دل‌داده انقلاب هستند که اجازه سوءاستفاده به رسانه‌های بیگانه را نیز نداده‌اند. اگر یک دهم این ظلم علیه ما اعمال شده بود، در چه جایگاهی بودیم و چه می‌گفتیم؟! پس از این وقایع نیز، هر ماه شاهد آن هستیم که برادران جنبش عدالت‌خواه، دستگیر می‌شوند و یکی یکی قلع و قمع می‌شوند. قبلاً خدمتتان عرض کردم که از بین افرادی که عدالت را مطالبه می‌کنند، فقط تعدادی اندکی قائل به کندروی حضرت آقا هستند و معتقدند حضرت آقا حامی وضع موجود اند. اکثریت بچه‌های انقلابی و بسیجی و عدالت‌خواه، اتفاقاً با استناد به فرمایشات رهبری و توصیه‌های مکرر ایشان به دانشجویان، قدم در این راه گذارده‌اند. آنها معتقدند برخی از مسولان کشور، فرمایشات به حق رهبری را اجرا نمی‌کنند؛ آنها از مسولین گله‌مندند. آنها نگران انقلابی هستند که آرمان‌های امامش، دارد یکی یکی توسط مسولان نالایق رنگ می‌بازد. نگران عکس‌العمل مردم‌اند. مگر حضرت امام هشدار ندادند که: «... به حسب انصاف، به حسب وجدان، این مردمی که شماها را روی کار آورده‌اند، این مردم زاغه‌نشین که شماها را روی مسند نشانده‌اند ملاحظه آنها را بکنید، و این جمهوری را تضعیفش نکنید. بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست، و یک انفجار حاصل بشود. از آن روز بترسید که ممکن است یکی از «ایام‌الله» - خدای نخواستہ - باز پیدا بشود. و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن. قضیه [این] است که فاتحه همه ما را می‌خوانند!» حضرت آقا مگر در چندین سخنرانی به دانشجویان و جوانان انقلابی متذکر نشدند که عدالت را مطالبه کنید؟! برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنم: «مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و «عدالت‌خواهی» است؛ این، پایه مشروعیت ماست. الان درباره مشروعیت حرفهای زیادی زده می‌شود، بنده هم از این حرفها بلام؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجود نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم؛ تکلیف ما این است که عدالت را در جامعه مستقر کنیم و این هم

جز با مبارزه علیه فساد و افزون‌طلبی انسانهای مفتخوار و سوءاستفاده‌کن امکان‌پذیر نیست...» ۵  
شهریور ۱۳۸۲. «اگر ما تشنه‌ی عدالت هستیم، تضمین تحقق عدالت، با سلامت و کارآمدی قوه‌ی  
قضاییه میسر است.» ۸۱/۴/۵ «بایستی عدالت آن‌چنان از طرف مردم، قشرها و بخصوص جوانان  
مطالبه شود که هر مسئولی- چه بنده و چه هرکس دیگری که در جایی مسئول است - ناچار باشد به  
مقوله‌ی عدالت، و لو برخلاف میلش هم باشد، بپردازد؛ باید گفت مطالبه عدالت نه فقط به نظام  
ضربه نمی‌زند، بلکه نظام را تقویت می‌کند!» ۸۲/۲/۲۲ «همه‌ی این شعارهای بزرگ مثل آزادی و  
استقلال قیودی دارند و آنچه هیچ قیدی ندارد، عدالت است.» ۸۱/۱۱/۱۵ «باید هر پدیده ضد عدالت در  
واقعیات کشور مورد سوال قرار بگیرد.» ۸۱/۸/۶ «هیچ یک از مصالح گوناگون - نه مصالح فردی و نه  
مصالح حکومت و کشور اسلامی - نمی‌تواند با عدالت معامله شود.» ۸۳/۸/۲۳ «عدالت یک ارزش  
مطلق است؛ یعنی هیچ‌جا نداریم که عدالت بد باشد..» ۹۰/۲/۲۷ «حالا در این شرایط، که حقیر فقط  
گوشه کوچکی از آن را برای شما ترسیم کردم، و ضمن درک تذکرات حضرت آقا، می‌رسیم به سخنان  
حجت الاسلام پناهیان و حجت الاسلام قاسمیان. حجت الاسلام پناهیان در سخنرانی چند شب  
قبلشان در بیت رهبری فرمودند: «اگر کسی بخواهد منتظر باشد، اولاً باید به وضع موجود اعتراض  
داشته باشد. درجات اعتراض به وضع موجود متفاوت است. مثلاً بعضی‌ها اگر جهان پر از عدالت  
نشود، اعتراض ندارند؛ آدم‌های مرده‌ای‌اند! می‌گویند حالا ما کشور خودمان را آباد کنیم! بعضی‌ها هم  
می‌خواهند اعتراض بکنند، ال‌ا‌هم ف‌لا‌هم نمی‌کنند؛ آنها افرادی خوارج گونه‌اند. خوارج اعتراضاتی داشتند  
که یکی در میان درست بود، ولی با اعتراضاتشان منبع حل این مشکلات را تضعیف کردند.» حجت  
الاسلام قاسمیان نیز در یکی از سخنرانی‌های اخیرشان در ایام محرم فرموده‌اند: «تاریخ به ما نشان  
داده است که فتنه‌های افراطیون داریم و فتنه‌های تفریطیون. ما دوره تفریطیون را دیده‌ایم نسبت به  
بحث ولایت. حالا فتنه افراطیون ممکن است اتفاق بیافتد و در شرف انعقاد است. یک عده‌ای با  
کسب معارف جلوترند از ولایت؛ یک عده‌ای با کسب معارف عقب‌ترند. برای همین است که می‌گوید  
الْمُتَّقِدُمْ لَهُمْ مَارِقٌ، وَالْمُتَأَخَّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ. بحث «نُصْحُ ائِمَّةِ مُسْلِمِیْنَ» (نصیحت کردن ولی امر مسلمین)  
به جای خود درست است و در مورد معصوم و غیر معصوم وارد است. اما محوریت «ولی» نباید از  
دست برود. آن‌کانون محوری نباید تخریب شود. بدانید که یک فتنه‌هایی در راه هست و خود را باید  
برای آن آماده کنیم که محصول بچه حزب‌اللهی‌های دو آتیشه است و عاملان آن به شدت عدالتخواه  
هستند؛ به شدت اهل معارف هستند. حالا این‌ها فاصله می‌گیرند چراکه رهبر را کندرو می‌دانند. فتنه‌ی  
آن‌هایی که رهبر را تندرو می‌دانند از سر ما گذشت و الآن دیگر تکرارپذیر نیست ولی فتنه‌کسانی که  
جلوترند هنوز واقع نشده. یک عده فتنه‌های صفینی دارند؛ عده‌ای هم فتنه‌های نهروانی هم دارند.  
ممکن است بعداً در نقطه‌ای با هم ائتلاف کنند که می‌کنند. مانند دو لبه قیچی که درست است خلاف  
جهت یکدیگر حرکت می‌کنند اما ریشه یک چیز را می‌زنند. این دوله قیچی نهایتاً در یک محوری با  
همدیگر ائتلاف می‌کنند. اگر پاسداشت ولایت واقعا برای کسی مهم است؛ مراقب جایگاه ولایت باشد



شکل گرفته است؛ تنگنا نیست، ولی چرا حزب اللّهی‌ها متوجه نیستند که راه عبور از این تنگناها بسیار ظریف و حساس است؟! وگرنه برای آبادکردنِ دهی، شهری را خراب می‌کنیم و انقلاب اسلامی این پدیده‌ی نو پا را یاری نخواهیم کرد. تمام روح کتاب «عقل و ادب ادامه‌ی انقلاب اسلامی» برای آن است که بفهمیم ما در این تاریخ در نسبت با انقلاب اسلامی چه باید بکنیم و این کار بسیار سختی است، هرچند کاری است عملی و غیرممکن نیست به شرطی که بتوانیم با سعه صدر جایگاه جریان‌ها را در نظر به گیریم. موفق باشید